

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال چهاردهم شماره ۵۶ زمستان ۱۳۹۸

مطالعه کیفی علل طلاق توافقی به روش تحلیل مضمون؛ یک مطالعه پدیدارشناختی

مصطفی مظاهری^۱، فاطمه بهرامی^{۲*}، کورش گودرزی^۳، مسعود صادقی^۴

۱- دانشجوی دکتری مشاوره، گروه روان‌شناسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

۲- استاد گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳- استادیار گروه روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

۴- استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۵

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۲/۱۹

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مطالعه کیفی طلاق توافقی به روش تحلیل مضمون انجام شده است. بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و معیار اشباع نظری تعداد ۳۰ زوج ارجاع شده از دادگستری شهر اصفهان در سال ۱۳۹۸ در این مطالعه شرکت کردند. برای گردآوری اطلاعات از مصاحبه نیمه ساختاریافته عمیق استفاده شد. محتوای مصاحبه‌ها طی سه مرحله کدگذاری شد و یک مدل تماتیک از آن استخراج شد که بیانگر وجود دو عامل اصلی در گرایش به طلاق توافقی بود. این عوامل شامل عوامل درونی و بیرونی می‌باشد. عوامل درونی شامل مضمون‌های آمادگی برای ازدواج، سلامت روان و روابط زناشویی نامطلوب و عوامل بیرونی شامل مضمون آسیب‌های اجتماعی است. هرکدام از مضامین محوری خود شامل مضامین فرعی بوده که جمعاً تعداد آنها ۴۳ مورد به دست آمد. با توجه به نتایج این پژوهش بکارگیری این مضامین در پیش‌گیری از طلاق بخصوص طلاق توافقی بسیار حائز اهمیت است.

واژگان کلیدی: طلاق؛ طلاق توافقی؛ بررسی کیفی

مقدمه

تصمیم به جدایی و انحلال رابطه زناشویی به‌عنوان یکی از سخت‌ترین وقایع یک بزرگسال می‌باشد که با آن مواجه می‌شود و می‌تواند پیوندهای احساساتی فرد را مختل کند (دیاموند، بریم هالب و الیوتک^۱، ۲۰۱۸). طلاق یکی از مهم‌ترین حوادث زندگی می‌باشد، که دربرگیرنده آسیب‌های بسیاری می‌باشد (کرونین^۲ و همکاران، ۲۰۱۷). طلاق فرآیندی است که با تجربه بحران عاطفی هر دو زوج شروع می‌شود و با تلاش برای حل تعارض از طریق ورود به موقعیت جدید با نقش‌ها و سبک زندگی جدید خاتمه می‌یابد (خاکی و همکاران، ۱۳۹۶). فاکرل^۳ (۲۰۱۲) در مصاحبه با زوجینی که راجع به طلاق می‌اندیشیدند متوجه شد، فرایند طلاق برای زوجین بسیار آشفته و گیج‌کننده است (هاوکینز^۴ و همکاران، ۲۰۱۷). امروزه بسیاری از زوج‌هایی که سابقه زندگی زناشویی آنها طولانی است نیز در معرض طلاق قرار گرفته‌اند (استپلر^۵، ۲۰۱۷). پژوهش‌ها نشان می‌دهند ۱۵ سال اول ازدواج، تفکر طلاق بین زوجین شایع می‌باشد. بعد از گذشت ۱۵ سال از ازدواج زوجین، افکار طلاق کمتر به ذهن آنها خطور می‌کند. ۲۵ درصد از زوجینی که در حال زندگی هستند تفکراتی راجع به طلاق دارند (هاوکینز، ۲۰۱۷).

در سال‌های اخیر، ایران با روند روبه رشد و نگران-کننده طلاق در همه استان‌ها مواجه شده است (فخری، مهدویان فرد و کیمیایی، ۱۳۹۷). بنابه آمار منتشر شده، در ایران روند افزایش طلاق از سال ۱۳۸۷ نسبت به سال ۱۳۹۷ بسیار بالا بوده است. در سال ۱۳۸۷ از هر ۸ ازدواج یک طلاق وجود داشته که در سال ۱۳۹۷ از هر ۳ ازدواج یک طلاق وجود دارد (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۷). یکی از انواع طلاق، طلاق توافقی می‌باشد. زن و مرد می‌توانند با توافق یکدیگر اقدام به طلاق نمایند، مقصود از طلاق توافقی این است که اراده ی زن و مرد به یک اندازه در طلاق مؤثر بوده و به منزله یک قرارداد بین زوجین تلقی می‌شود (مهرپور محمدآبادی، ۱۳۵۲). طلاق توافقی از سال ۱۳۷۱ وارد متون حقوقی کشور شده و

1- Diamond, Brimhallb & Elliottc

2- Cronina

3- Fackrell

4- Hawkins

5- Stepler

عمر چندانی ندارد. انجام سریع‌تر و آسان‌تر طلاق توافقی، متقاضیان این نوع طلاق از حمایت اجتماعی بیشتری برخوردار هستند. حدود دو سوم از تقاضا برای طلاق، به صورت توافقی می‌باشد (ساروخانی و قاسمی، ۱۳۹۲).

باتوجه به افزایش آمار طلاق به طور کلی و از طرفی افزایش آمار و درخواست طلاق توافقی به طور خاص و با توجه به افزایش معضلات اجتماعی ناشی از طلاق بررسی عوامل کیفی در ایجاد طلاق توافقی از اهمیت بالایی برخوردار است. چرا که تاکنون پژوهشی در خصوص عوامل زمینه‌ساز طلاق توافقی در ایران انجام نشده است. بحث کردن از بسترهای طلاق موجب دیدی چند بعدی و فرایندی نگریستن پدیده طلاق می‌شود. پدیده طلاق امری تک بعدی نیست. بلکه عوامل شخصی، جنسیتی و فرهنگی و اجتماعی در آن مؤثر است (ریجاوک کلوبکار^۱، ۲۰۱۴) بنابراین طلاق امری نیست که در یک لحظه رخ دهد بلکه طی یکی فرایند زمانی رخ می‌دهد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۵). در راستای اهمیت پژوهش حاضر می‌توان بیان داشت افزایش آگاهی در باره فرایندهای مستعدکننده طلاق باعث می‌شود آگاهی مسئولان زیربند در جهت ارایه برنامه‌های پیش از ازدواج افزایش یابد و در نتیجه منجر به سیاست‌هایی شود که از طلاق زوجین پیشگیری کند. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل کیفی طلاق از اهمیت نظری و کاربردی برخوردار است. پژوهش‌های انجام شده در راستای علل کیفی طلاق می‌توان به نتایج پژوهش کیفی اخوی ثمرین و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان بررسی عوامل زمینه‌ساز طلاق در بافت اجتماعی فرهنگی شهر تهران، اشاره کرد. این مطالعه نشانگر این است که عدم عشق و صمیمیت، عدم آمادگی برای ازدواج و طی نکردن درست فرایند ازدواج جزء شرایط علی برای ازدواج‌های در حال فروپاشی است، مسائل فرهنگی و مسائل اقتصادی و مقولاتی از قبیل اعتیاد، ساختار نامناسب خانواده کنونی، عدم سازگاری زناشویی، عوامل و مشکلات جنسی، ارتباط نامناسب با خانواده‌های اصلی، پیشینه خانوادگی و مشکلات شخصیتی از جمله عوامل زمینه‌ای مؤثر در طلاق بوده است. همچنین نتایج نشان داده است که به کارگیری

1- Rijavec Klobučar

راهبردهای ارتباطی و هیجانی ناکارآمد به پیامدهایی همچون احساس خستگی، تنهایی، ناامیدی و احساس تنفر از همسر و در نهایت میل به طلاق منجر شد.

در پژوهش کیفی پورنصیری، روستاخیز و بوستانی (۱۳۹۶) با عنوان کند و کاو پدیده طلاق توافقی، علل طلاق عبارت بودند از: ادراک ناپختگی برای ازدواج، آشنایی و شناخت شتابزده، دخالت و اهمیت نظر دیگران مهم، ناهمراهی خانواده با ازدواج، تفاوت منزلتی/ پایگاهی، پیمان شکنی همسر، مجادله‌های پی در پی، توافق برای جدایی، چانه‌زنی و سازش بر سر مهریه، رنج جدایی، رضایت از ازدواج مجدد و اعتقاد به زندگی بهتر بعد از جدایی. هسته مرکزی علل نیز سطحی‌نگری، سست عهدی و ناهمسانی بوده است.

یافته‌های موسوی (۱۳۹۵) نشان می‌دهد شش مقوله عمده در طلاق توافقی عبارتند از: بازاندیشی در نقش مرد به‌عنوان نان‌آور خانواده، روابط جنسی نامطلوب، درگیری عاطفی، اختلافات فرهنگی اجتماعی، فشار هنجاری اطرافیان و اختلالات شخصیتی رفتاری.

قاسمی و ساروخانی (۱۳۹۲) در پژوهش خود نشان دادند در طلاق توافقی، زنان مهم‌ترین دلایل خود را برای طلاق، ناسازگاری، تنفر از شوهر، عدم توجه شوهر به خواسته‌ها و توقعات، دخالت خانواده شوهر، عدم تحمل شوهر و لجبازی برشمرده‌اند. در مقابل مردان نیز مهم‌ترین دلایل خود را برای جدایی به‌صورت زیر بیان کرده‌اند: عدم استقلال زن (وابستگی به خانواده)، عدم علاقه به همسر، دخالت اطرافیان و ناآگاهانه بودن از دواج (قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۲).

در خارج از کشور نیز تحقیقات ریجاوک کلوبکار و سیمونیک^۱ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای کیفی با استفاده از تحقیق کیفی تحلیل مضمون نشان دادند مهم‌ترین عوامل طلاق در شش دسته قرار می‌گیرند این عوامل شامل فقدان سازگاری و حل تعارض در روابط میان فردی، الگوهای رفتاری ناشی از خانواده اصلی، رفتارها و عادات پیش از ازدواج، غیبت زیاد در زندگی مشترک، وضعیت اجتماعی اقتصادی پایین و وجود مرزهای بین نسلی میان زوجین می‌شود.

1- Rijavec Klobučar.

آپوستولو^۱ و همکاران (۲۰۱۶) علل زیر را برای طلاق زوجین ذکر کرده‌اند: نارضایتی از زندگی، خشونت زوجین، نداشتن فرزند، عدم رضایت از فرزندان.

فاکرل^۲ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان سرگردانی در بیابان، مطالعه فرآیند تصمیم‌گیری برای طلاق یا مصالحه به شیوه نظریه مبنایی، با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق با ۳۱ تن که در حال تصمیم‌گیری برای طلاق بوده‌اند، به نتایج زیر رسیده است: تصمیم‌گیری برای طلاق با مصالحه، برای فرد سردرگمی ایجاد می‌کند و یک رابطه زناشویی بد، لزوماً فرد را به طلاق سوق نمی‌دهد، چرا که عوامل گوناگونی از قبیل احساسات، فرزندان، خاطرات مثبت با همسر، امیدها، تأیید اجتماعی و حمایت‌های خانواده و دوستان و برخورداری از بیمه در این مورد دخیل است. با توجه به آنچه بیان شد و بررسی ادبیات پژوهش علل طلاق و از آنجا که در ایران پژوهش کیفی در خصوص عوامل مرتبط با طلاق توافقی به چشم نمی‌خورد و از آنجا که آمار طلاق توافقی در سال‌های اخیر افزایش داشته است این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که چه عواملی با طلاق توافقی زوجین مرتبط است؟

روش پژوهش

این پژوهش در پارادایم تفسیرگرایی و به شیوه کیفی صورت گرفته است. تحقیق کیفی یک روش بین رشته‌ای، فرا رشته‌ای و گاه ضد رشته‌ای است که انسان‌گرایی را با علوم طبیعی و انسانی مرتبط می‌سازد (دنزین و لینچین^۳، ۲۰۱۰). در پژوهش‌های کیفی محقق به دنبال کشف لایه‌های عمیقی از معنا، آن‌طور که توسط افراد مورد مطالعه تجربه و تفسیر می‌شود، دست به کنکاش و بررسی می‌زند. شیوه جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش حاضر از نوع مصاحبه نیمه‌ساخت یافته است که با استفاده از «راهنمای مصاحبه» صورت می‌گیرد. یعنی فهرست از سوالات و موضوعات مکتوب که باید در یک توالی خاص دنبال شوند اما در صورت طرح مضامین جالب در خلال مصاحبه نیز دست محقق برای پرسیدن سوالات پیش‌بینی نشده باز است.

1- Apostolou

2- Fackrell

3- Denzin and Linciln

جامعه و نمونه

جامعه آماری این پژوهش زوجین در آستانه طلاق توافقی شهر اصفهان که در سال ۱۳۹۸ اقدام به درخواست طلاق نموده‌اند، تشکیل شده است. روش نمونه‌گیری در این تحقیق از نوع نمونه‌گیری هدفمند با حداکثر تنوع یا ناهمگونی است. در این راهبرد، محقق با شناسایی افرادی که دارای اطلاعات مرتبط با موضوع تحقیق هستند و اصطلاحاً مطلعین نامیده می‌شوند آغاز می‌کند و سپس طیف وسیعی از افراد مشابه به طور هدفمند انتخاب می‌شوند، به شیوه‌ای که همه انواع افراد در امتداد یا بر حسب یک یا چند بعد در تحقیق وارد شوند. یکی از دلایل استفاده از این روش آن است که کسی مدعی نشود محقق انواع خاصی از موارد را در نظر نگرفته است. فرایند نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی معمولاً تا زمانی ادامه می‌یابد که مصاحبه‌های جدید، اطلاعات بیشتری به موارد قبلی اضافه نکنند و محقق شاهد تکرار الگوهای داده‌ای باشد. در پژوهش حاضر زوجین در آستانه طلاق به‌عنوان نمونه وارد پژوهش شدند و مورد مصاحبه قرار گرفتند. فرایند نمونه‌گیری تا ۳۰ مورد ادامه یافت و پس از آن محققان شاهد اشباع نظری داده‌ها بودند. ملاک‌های ورود پژوهش شامل: سپری شدن حداقل یکسال از عقد، درخواست برای طلاق توافقی و تمایل افراد به شرکت در پژوهش بود. همچنین ملاک‌های خروج شامل زوجینی بود که کمتر از یک سال از زمان عقد گذشته است و یا نوع طلاق آنها غیر از طلاق توافقی بود را شامل می‌شد.

راهنمای مصاحبه

- ۱- چه تجربه‌ای در شما این اطمینان را ایجاد کرد که طلاق و جدایی بهترین راه‌حل است؟
- ۲- در چه زمانی احساسات نسبت به همسر شروع به فروکش کردن کرد؟
- ۳- چه رفتارهایی از طرف همسران باعث فروکش کردن احساسات شد؟
- ۴- چه تجربیات مشترکی با همسران باعث شد ایجاد آسیب و جراحت به رابطه‌تان شد؟ به طوری که بخشیدن آن دشوار بود.
- ۵- مشکل شما و همسران در رابطه‌تان چه بود که منجر به تصمیم جدایی شده است؟

۶- فکر می‌کنید اگر چه تجربه‌ای اتفاق می‌افتاد زندگی شما به این مسیر نمی‌آمد؟ (تجربه خود و همسر).

۷- شما و همسرتان کجای کار را اشتباه کرده‌اید؟ اگر به زمان آشنایی‌تان برگردید کدام کار را انجام نمی‌دهید؟

زمان و مکان مصاحبه

با توجه به جامعه آماری پژوهش حاضر مکان انجام مصاحبه‌ها همگی در کلینیک‌های سلامت روان بهزیستی معرفی شده از طرف دادگستری انجام شد. در انجام مصاحبه سعی شد از اتاق جدا و بدون عوامل مخدوش‌کننده استفاده شود. زمان انجام مصاحبه‌ها ۴۵ دقیقه تا نهایتاً یک ساعت انجام شد.

پایایی و روایی مصاحبه

جهت سنجش پایایی مصاحبه از روش پایایی بین دو کدگذار استفاده شد. در این روش از یک دانشجوی مقطع دکتری مشاوره در خواست شد تا برای همکاری در پژوهش مشارکت کند، آموزش‌ها و تکنیک‌های لازم جهت کدگذاری مصاحبه‌ها برای ایشان تشریح گشت. سپس محقق به همراه همکار پژوهش‌گر، تعداد سه مصاحبه را کدگذاری کرده و درصد توافق درون موضوعی که به عنوان شاخص پایایی تحلیل به کار می‌رود با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد.

$$\text{درصد توافق} = \frac{\text{توافقات} * 2}{\text{تعداد کل کدها}} * 100$$

با توجه به فرمول ذکر شده درصد توافقات بین ارزیاب‌ها برای سه مصاحبه به ترتیب ۷۰٪، ۷۵٪ و ۷۸٪ به دست آمد و برای سه مصاحبه به طور کلی ۷۵٪ با توجه به اینکه این مقدار از ۶۰٪ بیشتر است بنابراین از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

جهت بررسی روایی مصاحبه می‌بایست در هر یک از مراحل انجام تحقیق از دقت و طبقه‌بندی یکسان اطلاعات استفاده کرد. همچنین در این پژوهش جهت بررسی روایی

محتوای مصاحبه از نظر سه تن از اساتید رشته مشاوره جهت اعتبار داشتن سوالات مصاحبه استفاده شد. که نتایج حاکی از روال و محتوای منطقی سوالات مصاحبه بود. همچنین یکی از مسائل ارزیابی روایی تحقیق کیفی این است که چگونه می‌توان روابط مورد مطالعه را به روایت محقق از آنها پیوند داد. به عبارت دیگر این روابط چه شکلی می‌داشتند اگر در آن لحظه موضوع تحقیق تجربی قرار نمی‌گرفتند. و آیا تفسیر محقق مبتنی بر روایت‌های موجود در زندگی‌نامه مصاحبه شونده‌گان و نتیجه مبتنی بر موضوع تحقیق است یا خیر (فلیک، ۱۳۹۰). در این تحقیق بر ساخته‌های حاصل از فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها با بر ساخته‌های اعضای جامعه مورد مطالعه، مورد مقایسه قرار گرفت و کدهای مستخرج از تحلیل دوباره به افراد مصاحبه شونده ارائه شد تا آنها نیز کدها را مورد ارزیابی قرار دهند و در صورت ابهام یا مخالفت با کدها، موارد مورد بحث قرار گیرد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش با استفاده از تحلیل مضمون صورت گرفت. یعنی تحلیلی مبتنی بر استقرای تحلیلی که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ شناسی تحلیلی دست می‌یابد (محمد پور، ۱۳۹۰) در این پژوهش نوعی از تحلیل مضمون بکار برده شده است که در آن کدگذاری داده‌های گردآوری شده بر حسب سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی صورت می‌پذیرد. برای تشریح فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها باید گفت که پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها روی کاغذ و تولید داده متنی، اقدام به بررسی و طبقه‌بندی داده‌ها با ارجاع به سوالات تحقیق شد. در مرحله اول یا کدگذاری باز، به بررسی متن برای یافتن مفاهیم مکنون در اطلاعات پرداخته شد و با استفاده از رهیافت مبتنی بر مقایسه ثابت، تلاش شد مفاهیم را اشباع شود. به عبارت دیگر محقق به دنبال این بود که مفاهیم را بازنمایی کند و تا زمانی که اطلاعات جدیدی پیدا نشد به این کار ادامه داده شد. در این مرحله، تمام اطلاعات کدبندی شد و برای هر کد اولیه یک توضیح مختصر نوشته شد که از آن در ساخت مقوله‌های انتزاعی بعدی استفاده گردید. زمانی که مجموعه‌ای از مفاهیم اولیه استخراج شد، مفاهیم مشترک بر اساس مقایسه‌های ثابت بین شباهت‌ها و تفاوت‌ها در قالب

مقوله‌های عمده‌ای دسته‌بندی شد. این همان فرایند کدگذاری باز متمرکز است. سپس مقوله‌های عمده بر اساس ابعاد دسته‌بندی شده در یک خط داستان به یکدیگر مرتبط شدند و به نگارش در آمدند. خط داستان باید مقوله‌های عمده را به صورت منطقی و تحلیلی به دنبال هم فهرستوار توضیح دهد و هر دام را در ارتباط با دیگری و سپس در ارتباط با کل تعریف کند. به این مرحله کدبندی محوری گفته می‌شود. کدبندی محوری به تنظیم تحلیلی و منطقی داده‌ها کمک می‌کند و زمینه را برای کدگذاری گزینشی و استخراج مقوله هسته‌ای فراهم می‌سازد. بعد از اتمام خط داستان، مقوله‌ای تحت عنوان مقوله هسته‌ای استخراج می‌شود.

یافته‌های پژوهش

نمونه آماری این پژوهش را ۳۰ زوج متقاضی طلاق توافقی ارجاعی از دادگستری شهر اصفهان که حاضر به همکاری شدند، در سال ۹۸ تشکیل می‌دهند. میانگین سنی برای مردان ۳۱/۷ و برای زنان ۲۶/۱۳ می‌باشد و میانگین سال‌های زندگی مشترک ۶/۲۷ بود و میانگین تعداد فرزندان برای نمونه مورد بررسی ۰/۶۵ بوده است که در این میان ۹ زوج دارای فرزند و ۲۱ زوج فاقد فرزند بودند.

در مرحله کدگذاری اولیه باز، ۴۳ مضمون اولیه به دست آمد که پس از ادغام آنها و مقایسه کدهای مشترک در مرحله دوم که همان کدگذاری محوری است، کدهای زیر استخراج شد:

۱- عدم آمادگی برای ازدواج

۲- سلامت روان

۳- روابط زناشویی نامطلوب

۴- آسیب‌های اجتماعی

در مرحله آخر نیز طبق فرایند کدگذاری گزینشی، دو عوامل درونی و عوامل بیرونی استخراج شدند. در ادامه به تشریح نتایج پژوهش در قالب سطوح سه گانه کدگذاری پرداخته می شود.

جدول (۲) مراحل سه گانه کدبندی اولیه، محوری و گزینشی

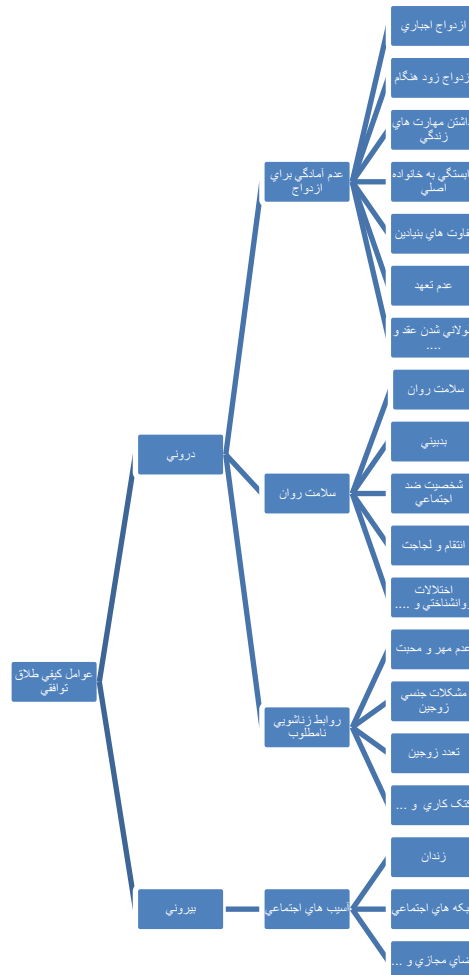
کدبندی اولیه	کدبندی محوری	کدبندی گزینشی
ازدواج زود هنگام نداشتن مهارت های زندگی وابستگی به خانواده اصلی تفاوت های بنیادین عدم تعهد طولانی شدن عقد عدم رشدیافتگی زوجین احساس هم کفو نبودن عدم انجام تحقیقات کافی مدل آشنایی اشتباه ازدواج اجباری	عدم آمادگی برای ازدواج	عوامل درونی
دروغ‌گویی بدبینی شخصیت ضداجتماعی انتقام و لجاجت اختلالات روانشناختی کنترل خشم بد اخلاقی و دعوا ضریب هوشی پایین خساست مشکلات اخلاقی عدم مهر و محبت عدم همراهی من خیانت زوجین به یکدیگر	سلامت روان	

روابط زناشویی نامطلوب	جدایی و طلاق عاطفی مشکلات جنسی زوجین تعدد زوجین کتک کاری دخالت فرزندان تمرکز زیاد روی شغل
آسیب‌های اجتماعی	زندانی شبکه‌های اجتماعی رها نکردن دوستان دوران مجردی فضای مجازی الگوگیری از زنان مطلقه توافقی فامیل ناباروری بیماری صعب‌العلاج پنهان کردن ازدواج قبلی پاییند نبودن به رسم و رسوم عدم اعتقاد به مبانی و تربیت دینی دغدغه مالی هزینه بالای درمان بیماری اعتیاد

عوامل بیرونی

در پایان می‌توان نمودار مرتبط با عوامل کیفی طلاق توافقی را در نمودار (۱) ملاحظه

نمود.



نمودار (۱) مدل حاصل از مراحل سه‌گانه کدبندی اولیه، محوری و گزینشی در عوامل مرتبط با طلاق توافقی

مضمون عدم آمادگی برای ازدواج

مضمون، عدم آمادگی برای ازدواج مضمون‌های فرعی نداشتن مهارت‌های زندگی، وابستگی به خانواده اصلی، تفاوت‌های بنیادین، عدم تعهد، طولانی شدن عقد، ازدواج زود هنگام، عدم

رشدیافتگی زوجین، احساس هم کفو نبودن، عدم انجام تحقیقات کافی، مدل آشنایی اشتباه و ازدواج اجباری را شامل می‌شود.

نداشتن مهارت‌های زندگی: آقا ۲۵ ساله: دو سال است عقد بودیم. سر کوچک‌ترین مسئله‌ای با هم بحث می‌کردیم و نمی‌توانستیم آن را مسالمت‌آمیز حل کنیم. انگار هر دوی ما چیز از مهارت‌های زندگی و حل مسئله نیاموخته بودیم. پس از چند دقیقه گفتگوی معمولی ما به مشاجره و درگیری لفظی منجر می‌شد.

هم کفو نبودن:

آقا ۳۸ ساله: خانم حرف زدن بلد نیست. تا ۲۰ سالگی از خونه شون بیرون نیامده بود. فکر می‌کنم بیش از حد بهش آزادی دادم.

وابستگی به خانواده اصلی:

خانم ۲۴ ساله: هر تصمیم‌گیری دو نفره را با مادرش در میان می‌گذاشت. مادرش در تمامی امور ما دخالت می‌کرد. مادرش نمی‌گذاشت ما با هم زندگی کنیم.

ازدواج زود هنگام:

خانم ۱۸ ساله: ۱۴ ساله‌ام بود اومد خواستگاریم. سنم واقعاً کم بود و شناختی از ازدواج و خواستگارم نداشتم. سر هر چیز کوچکی با هم دیگه مشکل داریم. دیگه از مشکلاتم تو عقد خسته شده‌ام. اگر زود ازدواج نکرده بودم و می‌گذاشتم سنم بالاتر برود، حتماً عاقلانه‌تر تصمیم گرفته بودم و حالا نمی‌خواستیم توافقی از همدیگه جدا شویم.

مدل آشنایی اشتباه:

خانم ۲۲ ساله: اگر طبق روال مرسوم و معمول با هم آشنا شده بودیم، شاید مشکلاتمون کمتر از الان بود. از طریق دوستی، تو دانشگاه با شوهرم آشنا شدم و فکر می‌کردم واقعاً مردی با اسب سفید آمده و مرا خوشبخت خواهد کرد. اما ای دل غافل. مشکلات بودند که یکی‌یکی سر بر می‌آوردند و ما در حل آنها ناتوان بودیم. حالا که داریم توافقی جدا می‌شویم فکرمی‌کنم اگر طبق عرف و رسوم خودم جلو می‌رفتم کار به اینجا نمی‌رسید.

عدم انجام تحقیقات کافی:

خانم ۱۷ ساله: یک سال و نیم هست که عقد هستیم. اما الان فهمیدم اون یه بار دیگه هم عقد کرده بوده و به من و خانواده‌ام نگفته بود. حالا که بهش می‌گم چرا نگفتی؟ می‌گه خوب شما که نپرسیدید. البته تحقیقات درست حسابی هم خانواده‌ام نکرده‌اند. یه جورایی کلی رفته‌اند و پرسیده‌اند فلانی چه جور آدمیه. راجع به گذشته‌اش اصلاً سوالی نپرسیده‌اند و مردم هم چیزی نگفته‌اند. درسته که شوهرم مخفی کرده و یه جورایی مقصره ولی این چیز کوچکی نبوده که بشه پنهان کرد. اگر تحقیقات درستی انجام داده بودم، کارم به اینجا نمی‌رسید و توافقی جدا نمی‌شدیم.

مضمون سلامت روان

این مضمون، مضمون‌های فرعی دروغ‌گویی، بدبینی، شخصیت ضداجتماعی، انتقام و لجاجت، اختلالات روانشناختی، کنترل خشم، بداخلاقی و دعوا، ضریب هوشی پایین، حساست و مشکلات اخلاقی را شامل می‌شود.

بدبینی:

خانم ۳۱ ساله: ۱۲ سال از زندگی مشترکمان می‌گذرد. شوهرم بسیار بدبین است. رنگ زندگی‌ام شده مشکی. با هیچ‌کس حق رفت و آمد ندارم.

خانم ۴۰ ساله: به من بدبین بود. همیشه درب خانه را قفل می‌کرد. با هیچ‌کس معاشرت و رفت و آمد نمی‌کرد. الفاظ و فحش‌های بسیار رکیک به من و خانواده‌ام می‌دهد. یکبار بیمارستان بستری‌اش کردیم.

خانم ۱۹ ساله: می‌گفت وقتی دامادتون نیست برو خونه خواهرت. مخفیانه با نصب برنامه‌ای، پیام‌های من را رصد می‌کرد. بیرون خونه نرو، مردم نباید ببیننت.

شخصیت ضد اجتماعی:

خانم ۳۵ ساله: بهم خیانت می‌کرد. دایم با بقیه دعوا می‌کرد. دست بزنی دارد. وقتی می‌روییم پارک دایم چشمش دنبال زن‌های دیگر بود. مادر و پدرش را نیز کتک زده است.

خانم ۳۴ ساله: دست بزن داشت، دزدی می کرد. به جرم آدم ربایی به زندان افتاد. اختلالات روانشناختی:

آقا ۳۷ ساله: همسر رفتارهای تکانشی داشت. یکبار می خواست خودش را از خودرو به بیرون پرتاب کند. دو بار هم می خواست با خوردن قرص خودکشی کند. همیشه با من قهر بود. برادرش همسرش را به قتل رسانده بود. کنترل خشم:

خانم ۳۰ ساله: شوهرم نوه عمویم است. خیلی پرخاشگره. با همه دعوا می کنه. رو خودش کنترلی نداره. هر موقع دعوا و بحث مون می شد باید کوتاه میومدم و گر نه، چنان کنکی ازش می خوردم که اون سرش ناپیدا بود. با آدمی که رو اعصابش مسلط نیست و کنترلی رو خودش نداره همیشه زندگی کرد. آدم امنیت جانی نداره. ادامه این مشکلات باعث شد که به صورت توافقی بیاییم و طلاق بگیریم.

مضمون روابط زناشویی نامطلوب

این مضمون، مضمون های عدم مهر و محبت، عدم همراهی من، خیانت زوجین به یکدیگر، جدایی و طلاق عاطفی، مشکلات جنسی زوجین، تعدد زوجین، کتک کاری، دخالت فرزندان و تمرکز زیاد روی شغل را شامل می شود.

خیانت زوجین به یکدیگر:

آقا ۴۳ ساله: خیانت همسر برای من محرز شده است. اگر تا قبل از این فقط یکسری فکر بود، الان یقین دارم که خیانت ایشون قطعی. من بیچاره راننده بیابان بودم و در نبود من با گروه های مختلف ارتباط برقرار می کرد. به باغ ها و مهمانی های مختلف می رفت.

آقا ۲۶ ساله: خانمم تو دوران عقد با چند نفر دیگه هم رابطه داشت. همون موقع فهمیدم بکارت ندارد. می خواست آزادی بی حد و حصر داشته باشه و من مخالف این قضیه بودم.

مشکلات جنسی زوجین:

خانم ۴۲ ساله: شوهرم در برقراری رابطه زناشویی مشکل داشت. او همیشه زود انزالی داشت و هیچ توجهی به نیازهای من نداشت. این مسائل باعث می‌شد هیچ‌گاه لذت کافی را نبرم و در جستجوی لذت‌های متفاوت باشم و این باعث خیانت من به شوهرم شد که در نتیجه به طلاق توافقی ما منجر شد.

خانم ۲۸ ساله: هیچ‌گاه رابطه جنسی خوب و با کیفیتی نداشتیم. شوهرم همیشه مشکل نعوذ داشت و این مرا خیلی رنج می‌داد.

خانم ۲۵ ساله: ۴ سال است ازدواج کرده‌ایم. اما هنوز یکبار هم رابطه نداشته‌ایم (ازدواج به وصال نرسیده).

بد اخلاقی و دعوا:

خانم ۳۱ ساله: شوهرم بد اخلاق بود. خیلی گیر می‌داد. دائم بدون دلیل مرا کتک می‌زد. چرت و پرت زیاد می‌گفت. شوخی‌های رکیک و جنسی زیاد با همه می‌کرد.

عدم همراهی من و اجتماعی نبودن:

خانم ۴۳ ساله: حدود ۲۰ سال است ازدواج کرده‌ایم. هیچ‌گاه مرا در مهمانی‌ها و مراسم‌های خانوادگی و حتی مسافرت‌ها همراهی نکرد. همیشه تنها می‌رفتم. حتی مسافرت نیز به تنهایی با خانواده‌ام می‌رفتم. شوهرم فقط و فقط به کارش اهمیت می‌داد، حتی روزهای تعطیل.

دخالت فرزندان:

خانم ۶۰ ساله: ازدواج دوم من و شوهرم است. ۵ سال است پس از مرگ همسرانمان با یکدیگر ازدواج کردیم. هر کدام از ما از زندگی‌های قبلی‌مان ۴ فرزند داریم. دخالت فرزندانمان در زندگی ما باعث شد یکسری مشکلات و ناسازگاری‌ها شروع شود و ادامه این روند طلاق توافقی‌مان را رقم زد.

مضمون آسیب‌های اجتماعی

این مضمون، مضمون‌های شامل موارد شبکه‌های اجتماعی، رها نکردن دوستان دوران مجردی، فضای مجازی، الگوگیری از زنان مطلقه توافقی فامیل، ناباروری، بیماری صعب‌العلاج، پنهان کردن ازدواج قبلی، پایبند نبودن به رسم و رسوم، عدم اعتقاد به مبانی و تربیت دینی، دغدغه مالی، هزینه بالای درمان بیماری و اعتیاد می‌شود.

فضای مجازی:

خانم ۳۶ ساله: ۲۰ سالگی می‌شود ازدواج کرده‌ایم. مشکلاتی داشتیم ولی خوب زیاد نبودند. از اون روزی که پای اینترنت، گوشی اندروید و شبکه‌های پیام‌رسان به زندگی‌مان باز شد مشکلاتمان نیز شروع شدند. چت‌های بی‌حد و حصر شوهرم با دختر خاله‌ام شروع شد. دل می‌دادند و قلوبه گرفتند. کم‌کم رابطه‌اش با من سرد شد و صمیمیت بین‌مان فروکش کرد. با اینکه دختر ۱۸ و پسر ۱۱ ساله داشتیم، او عاشق دخترخاله‌ام شده بود و می‌خواست با او نیز رابطه داشته باشد. به شوهرم گفتم برو صیغه کن، اما با زن شوهردار رابطه نداشته باش. اگر تلگرام در زندگی ما نیامده بود امروز نمی‌خواستیم توافقی جدا شویم.

زندان:

خانم ۲۳ ساله: همیشه دنبال کارهای خلاف بود. از این طریق امرار معاش می‌کرد. دفعه آخر با ۵۰ گرم هرویین دستگیر شد و به زندان افتاد. چون الان زندانه گفتیم توافقی از همدیگر جدا شویم.

شبکه‌های اجتماعی:

خانم ۳۰ ساله: زندگی‌مان قبل از اینکه شوهرم داخل شبکه‌های اجتماعی ورود کند بد نبود. از زمانی که پای شبکه‌های اجتماعی، بخصوص تلگرام به زندگی ما باز شد همه چیز بهم ریخت. دایم آنلاین بود. تا ۴ صبح تو فضای مجازی می‌چرخید. چت‌های متعدد می‌کرد. از کار و زندگی‌اش بریده بود و فقط تو دنیای مجازی بود. دیگر سر کار هم

نمی‌رفت و مشکلات ما روز به روز بیشتر می‌شد. من هم که دیدم اینطوریه و تلاش‌هایم به جایی نمی‌رسه با گذشتن از مهریه‌ام درخواست طلاق توافقی دادم.

بیماری صعب‌العلاج:

آقا ۳۳ ساله: ۸ سال پیش ازدواج کردیم. ۲ سال بعدش خانمم تصادف وحشتناکی کرد. کاملاً قطع نخاع شد. قدرت تکلم‌اش را از دست داد. میلیون‌ها تومان هزینه درمانش کردم ولی هیچ نتیجه‌ای نداد. عملاً با یک تکه گوشت زندگی می‌کردم. به خانواده‌اش گفتم همسری دیگر می‌گیرم و ایشان نیز باشند. قبول نکردند و گفتند توافقی از هم جدا شوید.

اعتیاد:

خانم ۵۸ ساله: شوهرم به هروئین اعتیاد داشت. زندگی ما تبدیل به جهنم شده بود. الان هم متادون مصرف می‌کند.

ناباروری:

آقا ۳۴ ساله: ۱۲ سال است ازدواج کرده ایم. چون بچه دار نشدیم خانمم میگه توافقی جدا شویم. هر چند بهم دیگه علاقه هم داریم، اما بچه دار نشدن در زندگی ما خیلی مهم است.

آقا ۳۰ ساله: بعد از عقد بیضه‌هام مشکل داشتند با هم رفتیم پیش متخصص. پس از آزمایش‌های لازم به من گفت آزو اسپرم هستی. خانمم وقتی این حرف را شنید و حدس زد احتمال دارد بچه دار نشویم پایش را داخل یک کفش کرد و گفت توافقی جدا شویم.

دغدغه مالی:

آقا ۳۶ ساله: ۱۴ ساله با هم‌دیگه داریم زندگی می‌کنیم. سعی کردم تو تمام مسائل همراهی‌اش کنم و کوتاه بیایم. اما گیر اصلی‌اش به شغلم بود. میگفت چرا نانوا هستی؟ تو نمی‌تونی توقعات مالی مرا برآورده کنی. من هم بقدری درآمد داشتم که فقط بتوانم حداقل‌های زندگی را تهیه کنم. اما خانمم پر توقع بود. اگر از نظر اقتصادی وضع بهتری داشتم هیچ‌گاه زندگی ماه به جدایی نمی‌کشید.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد چهار عامل زمینه‌ساز برای طلاق شامل عدم آمادگی برای ازدواج، نداشتن سلامت روان و مهارت‌های مدیریت هیجانات، روابط زناشویی نامطلوب و آسیب‌های اجتماعی می‌باشد. این عوامل خود طبق کدبندی گزیابنشی به دو دسته عوامل درونی و بیرونی تقسیم‌بندی می‌شود. این نتایج همسو با یافته‌های پژوهش‌های هاوکینز^۱ و همکاران (۲۰۱۲) و آماتو^۲ و همکاران (۲۰۱۰) و ریجاوک کلوبکار و سیمونیک^۳ (۲۰۱۸) می‌باشد. در ادامه به بررسی یک یک ای به‌دست آمده به‌عنوان عوامل مرتبط با طلاق پرداخته خواهد شد.

در خصوص بعد آمادگی ازدواج باید گفت شاید مهم‌ترین مضمون در شکست ازدواج‌ها و طلاق‌های توافقی مضمون عدم آمادگی برای ازدواج باشد. پژوهش‌های قبلی نیز مضمون عدم آمادگی برای ازدواج را بیان کرده‌اند. در ازدواج‌های ناموفق افراد از همان نقطه شروع به بیراهه رفته‌اند. تصمیم‌گیری مبتنی بر احساس و اصرار برای ازدواج با فرد مورد نظر بدون شناخت حاصل از منطق، می‌تواند فرد را به سوی انتخابی نادرست سوق دهد (اخوی ثمرین و همکاران، ۱۳۹۶). در مطالعه صدرالاشراقی و همکاران (۱۳۹۱) نتایج نشان داد عوامل فردی و نداشتن آمادگی برای ازدواج منجر به اختلافات بیشتر در زندگی زناشویی از جمله دخالت دیگران می‌شود. فردی که به پختگی لازم نرسیده است، نمی‌تواند ملاک‌های درستی برای ازدواج داشته باشد و نگاهی که به ازدواج دارد، نمی‌تواند نگاهی مبتنی بر واقعیت باشد. همین امر موجب می‌شود بسیاری از مسائل را هنگام ازدواج نادیده بگیرد و یا انتظارات غیرمعقولی از ازدواج و همسر خود داشته باشد هم‌چنین، ممکن است نسبت به جنس مخالف و رابطه زوجی، آگاهی‌های لازم را نداشته باشد و همین امر موجبات تنش و بی‌ثباتی رابطه را فراهم آورد (اخوی ثمرین و همکاران، ۱۳۹۶). در تحقیقات جدید که درباره میزان رضایت زناشویی زوجین انجام شده است ویژگی‌های پیش از ازدواج مانند

1- Hawkins

2- Amato

3- Rijavec Klobučar

مسئولیت‌پذیری برای زنان و مردم آمیزی برای مردان به‌عنوان پیش‌بینی‌کنندگان رضایت زناشویی بعد از ازدواج تعیین شدند (بویس، وود و فرگوسن^۱، ۲۰۱۶).

دخالت یا اعمال نفوذ خانواده‌های اصلی، که غالباً به‌صورت پنهان و در پوشش‌های مختلف عرضه می‌شود، می‌تواند یکی از زیربناهای جدی تعارضات زناشویی از شروع تا پایان هر ازدواجی باشد (اخوی ثمرین و همکاران، ۱۳۹۶). این دخالت می‌تواند ناشی از عدم پختگی زن و مرد در هنگام ازدواج باشد. زوجینی که با دخالت خانواده‌ها روبرو بوده‌اند، عمدتاً زوجینی بوده‌اند که سن پایین داشته‌اند. زوجین که در سنین پایین ازدواج می‌کنند در احساساتی گیر کرده بودند که نسبت به گذشته خود احساس پشیمانی و تقصیر داشتند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۵). در این راستا پژوهش پارک^۲ و همکاران (۲۰۱۸) نشان داده است که میزان خودکارآمدی زوجین با رضایت زناشویی رابطه مستقیم دارد و مانع از تبدیل ارتباط زناشویی به جدایی می‌شود. همچنین میزان خودکارآمدی زوجین با شبکه حمایت اجتماعی آن زوجین مرتبط است. این پژوهشگران بحث می‌کنند میزان خودکارآمدی زوجین نشان‌دهنده پختگی و بلوغ شخصیتی زوجین است و می‌تواند به‌عنوان عامل محافظت‌کننده در روابط زناشویی عمل کند.

همچنین یکی دیگر از عوامل مرتبط با عدم آمادگی برای ازدواج اجباری است. زوجینی که ازدواج اجباری را متحمل شده‌اند، معمولاً علاقه‌ای به همدیگر ندارند و به‌خاطر رضایت دیگران (پدر و مادر) با هم زندگی می‌کنند. بنابراین زمانی که بدون وجود والدین، معمولاً اختلافات آنان شروع شده و این امر به تدریج منجر به جدایی آنان می‌شود (قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۲). آمار طلاق در بین دخترانی که در سنین ۱۴-۱۷ سالگی ازدواج می‌کنند، دو برابر بیشتر از دخترانی است که در سنین ۱۸-۱۹ سالگی ازدواج می‌کنند و نیز کسانی که در سنین ۱۹-۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند، ۴۵ درصد بیشتر از کسانی است که در سنین ۲۰ سالگی پیمان زناشویی می‌بندند و بیشتر به دادگاه‌های طلاق قدم می‌گذارند، این آمار نشان

1- Boyce, Wood & Ferguson

2- Park

می‌دهد که فشار ناشی از اضطراب و هیجان‌های دوران نوجوانی با مشکلات زندگی مشترک در هم می‌آمیزد و خیلی زود زن و شوهر را به پای میز طلاق می‌کشانند (جنوبی، ۱۳۸۸).

مضمون دوم سلامت روان می‌باشد. این مضمون نیز از عوامل اصلی طلاق‌های توافقی می‌باشد. شاخص خطرآفرین برای آسفتگی رابطه و طلاق، اختلال روانی شخص در گذشته و حال است. قسمت اعظم مشکلات ارتباطی و طلاق در میان افراد مبتلا به اختلال روانی شدید، افسردگی و برخی اختلالات اضطرابی گزارش شده است. به‌طوری که می‌توان گفت تعارضات زناشویی و اختلالات روانشناختی به‌طور متقابل بر روی یکدیگر تأثیر دارند (هالفورد^۱، ترجمه تبریزی، ۱۳۸۷). مسائل روانی و فقدان ثبات شخصیتی یکی از عوامل موثر بر طلاق گزارش شده است. داشتن مشکلات روانی و شخصیتی شوهر در اغلب موارد ادامه زندگی را با تنش و کشمکش زوجین همراه ساخته تا جایی که تحمل عرصه بر زنان تنگ می‌گردد و طلاق را بر ادامه زندگی مشترک ترجیح می‌دهند (واعظی، ۱۳۹۴).

آماتو و پرویتی^۲ (۲۰۰۳) دریافته‌اند که مشکلات شخصیتی پنجمین عامل ذکر شده برای طلاق می‌باشد، که توسط ۱۰ درصد افراد ذکر شده است (رودریگز^۳ و همکاران، ۲۰۰۷). مشکلات شخصیتی و اختلالات شخصیتی باعث افزایش نرخ طلاق می‌شود (مرادی، ۱۳۹۱). در تحقیقات جدیدی که اثر اختلالات شخصیتی را با سازگاری اجتماعی افراد سنجیده‌اند نتایج نشان داده است که میزان مشکلات شخصیتی با طلاق در ۳۵ سالگی ارتباط دارد (موران^۴ و همکاران، ۲۰۱۶). این نتایج همچنین نشان داده که مشکلات شخصیتی در نوجوانی در ادامه منجر به افسردگی و اضطراب و سایر اختلالات روحی و روانی خواهد شد.

یکی از اختلالاتی که در بین زوجین مراجعه‌کننده به دادگاه‌ها مشاهده می‌شود و عامل بسیار مهمی در بروز طلاق می‌باشد اختلال شخصیت پارانویید می‌باشد. این اختلال که هسته مرکزی آن را عدم اعتماد به دیگران و بددلی تشکیل می‌دهد از عوامل مشکل‌ساز

1- Halford
2- Amato & Previti
3- Rodrigues
4- Moran

جدی در روابط با دیگران و روابط زناشویی است (یونسی، ۱۳۸۸). بنابراین در پژوهش فعلی نیز عوامل مرتبط با سلامت روان مانند ویژگی‌های شخصیتی پارانویید، ضد اجتماعی، مرزی و ... به‌عنوان عوامل مرتبط با طلاق توافقی تعیین شدند.

همچنین روابط زناشویی نامطلوب سومین مضمون در تحلیل علل طلاق‌های توافقی می‌باشد. خیانت‌های زناشویی از دیدگاه زوجین طلاق، گناه نابخشودنی تلقی می‌شود، خیانت‌های زناشویی به‌عنوان دلیل طلاق با بستر ضعف مهارت‌های زناشویی در تعامل است، قدرت خیانت زناشویی به‌عنوان بستر طلاق در تولید هیجانات منفی شدید بعد از آن است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۵). خیانت عمده‌ترین دلیلی است که زوجها را برای طلاق به کلینیک‌های مشاوره می‌کشاند (آپن هیمر^۱، ۲۰۰۷، به نقل از قره‌گوزلو و همکاران، ۱۳۹۷).

شبکه تعاملات فرد و نوع الگوی زندگی بر طلاق تأثیرگذار است. به این معنی که چنانکه الگوی ارائه شده و موجود در شبکه‌ها در برگرفته فرد، زندگی همراه با خانواده و ازدواج به صورت قانونی را الگو قرار دهد و مطرح نماید فرد در پی هم‌رنگی با شبکه، زندگی به تنها دور از مسئولیت خانواده را الگو قرار داده، میزان گرایش به طلاق و زندگی بدون ازدواج را در پی دارد و این مساوی با افزایش نرخ طلاق خواهد بود (بلوس فلد و هوم^۲، ۲۰۰۴).

به گفته فروتن و میلانی (۱۳۸۷) نارضایتی جنسی زوجین از یکدیگر به میزان زیادی در طلاق موثر است. ناتوانی‌های جسمی و جنسی یکی از زوجها با عوامل احساسی و ذهنیت منفی یکی از زوجها، پرخاشگری و خشونت زوجها و آرمانگرایی زوجها و ناسازگاری زن و شوهر در خانواده عامل مهم در گسستگی ازدواج است (بهاری و همکاران، ۱۳۹۰). در تحقیقات جدید همچنین نشان داده شده است میزان کیفیت روابط جنسی با کمیت آن و رضایت زناشویی رابطه دارد (تگگن^۳ و همکاران، ۲۰۱۵). در تبیین این یافته باید اذعان داشت که از اصلی‌ترین انگیزه‌های تشکیل خانواده آمیزش و تأمین نیاز جنسی است. از نظر

1- oppenheimer
2- Blosfeld
3- Tegegne

روان‌شناسی، تمایلات جنسی هر شخص به سه عامل وابسته به هم مربوط است. این سه عامل عبارت هستند از جنسیت و شخص، رفتار و گرایش جنسی، شخص و هویت جنسی. این عوامل که در رشد و پیشرفت شخصیت تأثیر می‌گذارند. بررسی رابطه بین طلاق و ارتباط آن با مشکلات جنسی از مباحث مهم جامعه است. روابط جنسی شکل‌دهنده بخشی از ادراکات زوجین از همدیگر است و ادراکات جنسی در بین زوجین ارتباط مثبتی با رفتارهایی دارد که نگهدارنده و تداوم‌بخش ازدواج است. صمیمیت جنسی با صمیمیت عاطفی در ارتباط است (عابدی‌نیا، بواله‌ری و نقی‌زاده، ۱۳۹۴).

آسیب‌های اجتماعی چهارمین مضمون در علل طلاق‌های توافقی می‌باشد. کاهش شغل با افزایش آمار طلاق همراه بوده است (صبرا و کان^۱، ۲۰۱۶). یکی از عواملی که می‌تواند در طلاق گرفتن زوجین نقش داشته باشد این است که درآمد مورد انتظار زوجین محقق نشود (بیلیدو^۲ و همکاران، ۲۰۱۶). از فقر و مشکلات اقتصادی به عنوان یکی از عوامل مستعدکننده طلاق یاد شده است (لین^۳ و همکاران، ۲۰۱۷).

پژوهش گلیک^۴ (۲۰۱۸) با عنوان زنان مجرد و هرگز ازدواج نکرده که بر روی زنان مجرد ۳۵-۵۰ ساله و به صورت کیفی انجام گرفته است، یکی از دلایل اصلی مجرد ماندن را وقوع طلاق‌های زیاد در جامعه می‌داند. این مسئله می‌تواند به عنوان یک منبع آگاهی اجتماعی مانع از تصمیم برای ازدواج در زنان شود.

شبکه‌های اجتماعی نیز می‌توانند در افزایش آمار طلاق نقش داشته باشند (صالح و لیوپیسینی^۵، ۲۰۱۷). پژوهش والنزولا^۶ و همکاران (۲۰۱۴) نشان می‌دهد استفاده از فیس بوک باعث افزایش آمار طلاق گردیده است. افزایش شهرنشینی و تولید ناخالص داخلی بر گسترش میزان طلاق تأثیر داشته است (کارلز و والک^۷، ۲۰۱۷). هر چه قدر توسعه و شرایط

1- Sbarra & Coan,

2- Bellido

3- Lin

4- Celik

5- Saleh & Luppisini

6- Valenzuela

7- Caarls & de Valk

شرایط اقتصادی بهتر باشد به همان میزان آمار طلاق نیز کاهش می‌یابد (بتز و اسنایدر^۱، ۲۰۱۷).

جی^۲ (۱۹۹۶، به نقل از مظاهری و همکاران، ۱۳۸۸) گزارش داده است که مناطقی که ارزش‌های دینی حاکم است و نقطه آغاز بیشتر ازدواج‌ها عاشقانه نبوده، حدود ۹۵ درصد از آنها موفق گزارش شده است. در حالی که در جوامع کمتر دینی، میزان طلاق حدود ۵۰ درصد گزارش شده است. این عامل می‌تواند به نشان‌دهنده سرمایه‌های اجتماعی در توفیق زندگی زناشویی باشد. دین به‌عنوان یکی از این سرمایه‌ها عاملی محافظت‌کننده در برابر طلاق است.

به‌طور کلی برای کار بر روی طلاق‌های توافقی و کاهش آمار این‌گونه از طلاق‌ها باید بر روی این چهار مضمون عدم آمادگی برای ازدواج، سلامت روان، روابط زناشویی نامطلوب و آسیب‌های اجتماعی در پیش، حین و بعد از ازدواج کار کنیم تا بتوانیم شاهد کاهش آمار طلاق‌های توافقی در کشور باشیم.

محدودیت‌های پژوهش

به‌عنوان یک محدودیت کلی، باید اذعان داشت که نتایج مطالعات کیفی را نمی‌توان به راحتی تعمیم داد. بنابراین شاید یافته‌های حاصل از این پژوهش در مورد سایر زوجین و حتی زمان‌های مختلف متفاوت به‌دست آید. چه بسا اگر همین موضوع در زمان دیگری یا توسط محققان دیگری دنبال شود به نتایج متفاوتی برسد. به همین نسبت در مورد تعمیم دادن نظرات حاصل از مصاحبه با چند نفر به کل زوجین باید احتیاط کرد چه اینکه این پژوهش در اصفهان انجام گرفته و در تعمیم آن به سایر نقاط کشور باید از تعمیم‌های نادرست اجتناب کرد.

1- Betz & Snyder

2- Jay

منابع

- اخوی ثمرین، زهرا؛ زهراکار، کیانوش؛ محسن‌زاده، فرشاد و خدابخش احمدی (۱۳۹۶). بررسی عوامل زمینه‌ساز طلاق در بافت اجتماعی فرهنگی شهر تهران. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده. ۱۲(۴۰)، ۱۰۵-۱۲۶.
- بهراری، فرشاد؛ فاتحی‌زاده، مریم‌السادات؛ احمدی، احمد؛ مولوی، حسین و فاطمه بهرامی (۱۳۹۰). تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباط همسران بر کاهش تعارض‌های زناشویی زوج‌های متعارض متقاضی طلاق. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، نشریه مطالعات تربیتی و روانشناختی. ۱۱(۱)، ۵۹-۷۰.
- پورنصیری، ثریا؛ روستاخیز، بهروز و داریوش بوستانی (۱۳۹۶). کند و کاو پدیده طلاق توافقی (مورد مطالعه: مردان شهرستان تالش در سال ۱۳۹۳). توسعه اجتماعی. ۱۲(۲)، ۱۴۳-۱۷۲.
- جنوبی، پارسا (۱۳۸۸). افزایش ۱۰/۷ درصدی طلاق در سال ۸۷. روزنامه سرمایه. ۹۹۳(۳)، ۴-۵.
- خاکی، احمد؛ فرحبخش، کیومرث؛ معتمدی، عبدالله؛ اسمعیلی، معصومه و حسن سلیمی بجنستانی (۱۳۹۶). تدوین مدل آموزش زوج درمانی بوم‌شناختی چند بعدی به مشاوران مراکز مداخله در بحران سازمان بهزیستی (مطالعه کیفی با تمرکز بر کاهش میل به طلاق و تعارضات زناشویی). فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، دانشگاه علامه طباطبائی. ۸(۳)، ۵۲-۵۶.
- خبرگزاری تسنیم، (۱۳۹۷). <https://www.tasnimnews.com/fa/news>.
- شریفی، علیرضا و شهریار عزیزی (۱۳۹۳). بررسی علل حقوقی ترویج طلاق توافقی، همایش منطقه‌ای آسیب‌شناسی پدیده طلاق، سقز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سقز.
- صدر الاشرافی، مسعود؛ خنکدار طارسی، معصومه؛ شمخانی، اژدر، یوسفی و مجید افراشته (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی طلاق (علل و عوامل) و راهکارهای پیشگیری از آن. مهندسی فرهنگی. ۷۳(۷)، ۲۶-۵۳.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن و محمد شیخ‌زاده (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی. ۵(۲)، ۱۵۱-۱۹۸.
- عرب، سیدمحمد؛ ابراهیم‌زاده پزشکی، رضا و علی مروتی شریف‌آبادی (۱۳۹۳). طراحی مدل فرا ترکیب عوامل موثر بر طلاق با مرور نظام‌مند مطالعه‌های پیشین. مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران. ۱۰(۴)، ۱۰-۲۲.

- فخری، مریم‌السادات؛ مهدویان فرد، راحله و سیدعلی کیمیایی (۱۳۹۷). پیش‌بینی احتمال طلاق زنان بر اساس دل‌بستگی اجتنابی، دل‌بستگی اضطرابی و مهارت حل مسئله خانواده. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، دانشگاه علامه طباطبائی. ۹ (۳۳)، ۲۰۷-۲۲۲.
- فروتن، سیدکاظم و مریم جدید میلانی (۱۳۸۷). بررسی شیوع اختلالات جنسی در متقاضیان طلاق مراجعه کننده به مجتمع قضایی خانواده، دو ماهنامه علمی- پژوهشی دانش‌پژوهی. ۱۶ (۷۸)، ۳۷-۴۲.
- فلیک، اووه (۱۳۹۰). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- قاسمی، علیرضا و باقر ساروخانی (۱۳۹۲). عوامل اجتماعی طلاق و سلامت روانی - اجتماعی در زوجین متقاضی طلاق توافقی و غیر توافقی. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده. ۸ (۲۶)، ۷-۳۸.
- قره‌گوزلو، نادیا؛ مراد حاصلی، مستانه و اکبر عطادخت (۱۳۹۷). مقایسه اثربخشی زوج درمانی شناختی- رفتاری حضوری و مجازی بر اختلال استرس پس از سانحه در روابط فرازناشویی. فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های مشاوره. ۱۷ (۶۵)، ۱۸۷-۲۱۰.
- کریمی، یوسف؛ الماسی، سکینه؛ محمدی، زرگار و حسن فاضلی (۱۳۹۵). مطالعه بسترهای طلاق در افراد مطلقه: پژوهشی پدیدارشناسانه. فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی، ۷ (۲۵)، ۱۹۱-۲۱۱.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی؛ ضد روش (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی). تهران، انتشارات جامعه‌شناسان جلد ۱ و ۲.
- مظاهری، علی؛ صادقی، منصوره السادات؛ نصرآبادی، ام‌لیلی و فاطمه انصاری نژاد (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های همسر‌گزینی با کیفیت و پایداری ازدواج. فصلنامه راهبرد فرهنگ. ۲ (۵)، ۵۵-۷۱.
- مهرپور محمدآبادی، حسین (۱۳۵۲). طلاق با توافق زوجین در حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران.
- موسوی، مهری‌السادات (۱۳۹۵). بازنمایی معنای طلاق توافقی. فصلنامه خانواده‌پژوهی. ۱۲ (۴۶)، ۲۸۷-۳۰۴.
- واعظی، کبری (۱۳۹۴). دیدگاه زنان مطلقه پیرامون عوامل موثر بر طلاق. (مطالعه موردی: زنان مطلقه شهرستان بانه). فصلنامه مددکاری اجتماعی. ۴ (۱)، ۵۲-۶۴.
- هالفورد، کیم (۱۳۸۷). زوج درمانی کوتاه‌مدت. ترجمه مصطفی تبریزی و مزده کاردانی و فروغ جعفری. تهران: انتشارات فرا روان.

-
- Apostolou, A., Chari, I., Lefkides, T., & Khalil, M. (2016). Parent-offspring conflict over mating: The case of divorce. *Personality and Individual Differences*, 99, 286–294.
- Bellido, H., Molina, A.M., Solaz, A., & Stancanelli, E. (2016). Do children of the first marriage deter divorce? *Economic Modelling*, 55, 15–31
- Betz, M.R., & Snyder, A. (2017). Coal and family through the boom and bust: A look at the coal Industry's impact on marriage and divorce. *Journal of Rural Studies* 56, 207-218.
- Blosfeld, B.H. (2004). Causes and Consequences of Divorce, an Introduction to this Special Issue. *Journal of Divorce & Remarriage*, 4, 8-120.
- Boyatzis, R.E. (1998). *Transforming qualitative information: thematic analysis and code development*, Sage, Publications, Incorporated, Thousand Oaks, California.
- Boyce, C.J., Wood, A.M., & Ferguson, E. (2016). For better or for worse: The moderating effects of personality on the marriage-life satisfaction link. *Personality and Individual Differences*, 97, 61-66.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology* 3 (2), 77-101.
- Caarls, K., & de Valk, H. A. G. (2017). Regional Diffusion of Divorce in Turkey. *European Journal of Population*. 1-28.
- Celik, K. (2018). Unmarried women with closed “windows of opportunity”: Professional women's reasons for not getting married. *Women's Studies International Forum*, 66 ,48–55.
- Cronina, S., Becherb, E. H., Mc Cannb, E., Mc Guirec, J., & Powellb, S.(2017). Relational conflict and outcomes from an online divorce education Program. *Evaluation and Program Planning*, 62, 49–55.
- Denzin, Norman K. and Yvonna S. Lincoln (2011) *The Sage Handbook of Qualitative Research*, Sage Publications.
- Diamond, R.M., Brimhallb, A. S & Elliottc, M. (2018). Attachment and relationship satisfaction among first married, remarried, and post-divorce relationships. *Journal of Family Therapy*, 40, 111–127.
- Fackrell, T. (2012). *Wandering in the wilderness: A Grounded Theory study of the divorce or reconciliation decision-making process (Unpublished doctoral dissertation)*. Brigham Young University, Utah, United States.
-

-
- Hawkins, A.J., Willoughby, B.J., & Doherty, W.J. (2012). Reasons for divorce and openness to
- Hawkins, A. J. et al. (2017). What Are They Thinking? *A National Study of Stability and Change in Divorce Ideation*. www.Family Process.org.
- King, N., & Horrocks, C. (2010). *Interviews in qualitative research*, London: Sage, London.
- Lin, I. F., Brown, S. L., & Hammersmith, A. M. (2017). Marital biography, social security receipt, and poverty. *Research on aging*, 39(1), 86-110.
- Marital reconciliation. *Journal of Divorce & Remarriage*, 53, 453-463. Amato, P.R. (2010). Research on divorce: Continuing trends and new developments. *Journal of Marriage and Family*, 72, 650-666
- Moran, P., Romaniuk, H., Coffey, C., Chanen, A., Degenhardt, L., Borschmann, R., & Patton, G.C. (2016). The influence of personality disorder on the future mental health and social adjustment of young adults: a population-based, longitudinal cohort study. *The Lancet Psychiatry*, 3(7), 636-645.
- Park, H.S., Choi, M. Y., & Rhee, O.J. (2018). The Effects of Social Support of Married Immigrant Women on Marriage Satisfaction: Focusing on the Mediating Effect of Self-Efficacy. *Korean Family Resource Management Association*, 22(4), 61-74
- Rijavec Klobučar, N., & Simonič, B. (2018). Risk factors for divorce in Slovenia: A qualitative study of divorced persons' experience. *Journal of Family Studies*, 24(3), 291-306.
- Rijavec Klobučar, N., & Simonič, B. (2018). Risk factors for divorce in Slovenia: A qualitative study of divorced persons' experience. *Journal of Family Studies*, 24(3), 291-306.
- Rodrigues, A.M., & et al. (2007). Predictors of Divorce and Relationship Dissolution. *Handbook of divorce and relationshipdissolution*. NY: Erlbaum.
- Saleh, R., & Luppicini. R. (2017). Exploring the Challenges of Divorce on Saudi Women. *Journal of Family History*, 42(2) 184-198.
- Sbarra, D. A., & Coan, J. A. (2017). Divorce and health: Good data in need of better theory. *Current Opinion in Psychology*, 13, 91-95.
- Steppler, R. (2017). Led by Baby Boomers, divorce rates climb for America's 50+ population. Washington, DC: Fact Tank: Pew Research Center.

<http://www.pewresearch.org/fact-tank/2017/03/09/led-by-baby-boomers-divorce-rates-climb-for-americas-50-population>.

- Tegegne, A., Molla, A., Wonde, D., & Jibat, N. (2015). Marital Dissatisfaction, Coping Mechanisms, and the Likelihood of Divorce among Selected Districts of Jimma Zone, South Western Ethiopia. *Global Journal of Human-Social Science*, 15(10), 22-30.
- Valenzuela, S., Halpern, D., & Katz, J.k. (2014). Social network sites, marriage well-being and divorce: Survey and state-level evidence from the United States. *Computers in Human Behavior*, 36, 94–101.